

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۱ اکتوبر ۲۰۱۸

در باره "شوراهای کارگری"

در اوائل شهریور ماه [سنبله] امسال (۱۳۹۷) و در جریان اعتصابات کارگران مجتمع صنعتی هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز، نمایندگان کارگران این دو واحد بزرگ تولیدی در سخنرانی های خود از ضرورت تشکیل شورا های کارگری سخن گفتند. البته این اشاره به ضرورت تشکیل شورا های کارگری تنها به عنوان یک پیشنهاد باقی نماند و در جریان اعتصابات کارگران مجتمع هفت تپه، کارگران، نمایندگانی از میان خود برگزیده و تشکیل شورائی را در این مجتمع اعلام نمودند. این کارگران مطرح کردند که: "ما امسال به تناسب جمعیت هر بخش از شرکت نیشکر هفت تپه، نماینده تعیین کردیم... و با همراهی دیگر کارگران آن را به اجراء گذاشتیم. تقریباً از ۱۴ بخش نیشکر هفت تپه حدود ۲۲ نماینده تعیین شد و از میان آنها یک هیأت مدیره انتخاب کردیم. در واقع یک انتخابات واحد را ما به انتخابات جزئی تبدیل کردیم. در تمامی بخش های نیشکر هفت تپه ما این کار را پیش بردیم، چون با قاطعیت باور داریم که راهی جز این برایمان نمانده است." بر اساس این گزارش، این شورا در اساس به کار نظارت بر مدیران و کارفرما خواهد پرداخت و در توصیف این تصمیم، یکی از نمایندگان کارگران هفت تپه گفت: "این طرح حالت یک سازمان نظارتی پیدا می کند و بر عملکرد و ماندگاری این مدیران نظارت کرده و سپس برای اداره شرکت تصمیم می گیریم. هفت تپه نمادی کوچک از ایران است. زمانی که دولت قدرتی برای نظارت ندارد، نظارت مستقل و از پائین تشکیل دادیم و با قدرت آن را پیش می بریم. اصلاً نیازی به مذاکره تک به تک میان کارگران و کارفرمایان نیست؛ کارگر به این نتیجه رسیده که شورائی به عنوان نماینده قوی باید وجود داشته باشد که در اداره هفت تپه نظارت و مداخله کند." یکی از کارگران فولاد اهواز هم در زمینه ضرورت تشکیل شورا اعلام کرد: "ما باید شورای مستقل کارگری تشکیل بدهیم. با تشکیل شورای مستقل کارگری و نظارت بر اعمال این آقایون، ما می توانیم راه کار پیدا کنیم. چون این ها الان دقیقاً چهار ساله یکسری اشخاص میان، نماینده اون سرمایه گذارن میان برای ما یک سری دروغ میگن، با این که ما هیچ از پشت پرده خبر نداریم. باید یک نظارت کارگری باشه، باید یک شورای مستقل کارگری ایجاد بشه، اگر بخواهیم همین طور ادامه پیدا کند هیچ اتفاق خاصی نمی افته."

مسلم است که طرح ایده تشکیل شورا و ضرورت عملی کردن آن حتی در یک کارخانه و مؤسسه تولیدی به خصوص در شرایط کنونی به طور کلی و به مثابه یک ایده، امر مثبت و نشاندهنده آگاهی و خواست عمیق کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل خود می باشد.

انتشار خبر خواست کارگران هفت تپه و فولاد اهواز برای تشکیل شورا، با توجه به سابقه شورا های کارگری در مبارزات طبقه کارگر در سطح جهان، عکس العملی را هم در میان مدعیان حامی این طبقه و کسانی که خود را فعالان کارگری و یا سازمان های چپ مدافع منافع طبقه کارگر جا می زنند، به وجود آورد تا جایی که برخی، آن را به عنوان نقطه عطفی در مبارزات طبقه کارگر اعلام کردند. این جریانات بدون آن که تفاوت شوراهایی که در روسیه شکل گرفت با شوراهای مطرح شده اخیر کارگران خوزستان را در نظر بگیرند و مهمتر از آن راه تشکیل چنان شوراهایی که توانستند در روسیه قدرت سیاسی را به دست خود بگیرند، در شرایط خاص جامعه ایران را نشان دهند و یا مشخص کنند که در چه شرایطی و چرا موضوع تشکیل شورا در میان کارگران رنجیده ما مطرح شده و اگر بحث بر سر نظارت بر مدیران کارخانه و یا اداره مؤسسه تولیدی مذکور است، آیا چنین امری در شرایط سلطه جمهوری اسلامی عملی است یا نه، به تعریف و تمجید پرداخته و برای ایجاد شورا های مذکور هورا کشیدند.

مسلماً این حق کارگران ایران است که برای خواست های صنفی خود مبارزه کنند و خواستار ایجاد تشکل های مستقل کارگری خود باشند. اما تا جایی که نام شورا مطرح می شود کارگران ما باید بدانند که ایجاد شوراهای کارگری در تاریخ جهان تجربه به جا مانده از کارگران رزمنده روسیه می باشد که ابتداء در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه به وجود آمدند و سپس در انقلاب سوسیالیستی اکتوبر ۱۹۱۷ با رهبری بلشویکها یعنی کمونیستهای انقلابی آن کشور، قدرت دولتی را تماماً در اختیار خود گرفتند. نکته بسیار مهم و اساسی در این مورد آن است که کارگران روسیه در شوراهای خود مسلح بودند و به همین دلیل هم قدرتی به حساب می آمدند. این نکته مهم و آموزنده از تجربه کارگران رزمنده روسیه و شوراهای کارگری آنان می باشد، چرا که کارگران روسیه موقعی توانستند به خواست های طبقاتی خود جامعه عمل بپوشانند که با قدرت سلاح خود، دشمنانشان را در روسیه که بورژوازی و خرده بورژوازی همراه آن بودند، از اریکه قدرت به زیر کشیدند و حکومت آنان را سرنگون ساختند.

واضح است که در ایران نیز تنها با مسلح شدن و پایان دادن به حاکمیت سرمایه داران داخلی و خارجی که امروز جمهوری اسلامی از منافع آن ها حفاظت می کند، می توان به خواستهای کارگران و از جمله به خواست ایجاد شوراهای پر قدرت کارگری دست یافت. بنابراین مهم است که کارگران ما درک کنند که شورا های واقعی صرفاً نهادهایی جهت چک و چانه زدن با کارفرمایان و نظارت بر اعمال آنها نبوده، بلکه نطفه های دولتی است که باید پس از سرنگونی بورژوازی و نماینده اش جمهوری اسلامی، از سوی طبقه کارگر شکل بگیرد. به همین دلیل هم نمی توان و درست نیست که شورا ها را تا سطح تشکل هایی که باید برای تأمین منافع صنفی طبقه کارگر به وجود آیند، تنزل داد. اما صرف نظر از بحث فوق، اگر به واقعیت مشخص شرایط زیست و کار کارگران ایران در حال حاضر بگردیم، می بینیم اولاً در شرایطی که کارفرمایان هیچ مسئولیتی در قبال قراردادهایشان با کارگران بر عهده نگرفته و حتی از پرداخت منظم دستمزد آنها خود داری می کنند و هر جا که منافعشان حکم کند، دسته دسته کارگران را اخراج می کنند، در شرایطی که نه اداره کار علیه این قانون شکنی ها و برخورد های ظالمانه کارفرمایان کاری می کند و نه هیچ مرجعی به داد کارگران می رسد، در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی که رژیم حامی سرمایه داران و حافظ منافع آنان است، درجه زورگویی به کارگران و وقاحتش را به آنجا رسانده است که در ارتباط با کارگرانی که فریاد گرسنه ایم سر می دهند و به همین خاطر خواستار حقوق های پرداخت نشده خود می باشند، نیروی انتظامی یعنی پولیس را به سراغ کارگران رنجیده می فرستد تا آنها را باتوم به دست، بی رحمانه و وحشیانه به باد کتک گرفته و با گاز اشک آور، اعتراضاتشان را بخواباند، آری در چنین شرایطی واضح است که اگر کارفرمایان و دولت تشکیل این یا آن تشکل

کارگری - چه اسم شورا روی خود داشته باشد و یا نداشته باشد - را به سود و صلاح خود ندانند، هرگز امکان ایجاد و پای گیری آن را نخواهند داد.

این واقعیت را خود کارگران بارها با پوست و گوشت خود تجربه کرده اند. مثلاً در جریان کوشش برای تشکیل سندیکای هفت تپه همگان شاهد اذیت و آزار، بگیر و ببند کارگران و زندانی کردن آنان بودند تا جایی که دیکتاتوری حاکم بالاخره با قدرت اهریمنی خود، به زور از ایجاد سندیکا توسط کارگران هفت تپه که کارگران را در محیط کار نمایندگی کند، ممانعت به عمل آورد. امروز از آن سندیکائی که کارگران قصد ایجادش را داشتند تنها نامی باقی مانده که البته گاه کسانی به آن نام، اعلامیه هائی هم صادر می کنند. همین تجربه بیش از هر دلیل نظری بیانگر آن است که رژیم دیکتاتور حاکم هرگز اجازه برپائی یک شورای کارگری واقعی را که تازه پا را فراتر از عملکرد یک سندیکا گذاشته و بتواند بر کار مدیریت و کارفرما نظارت هم بکند نمی دهد.

اما در ارتباط با شورائی که گفته می شود در هفت تپه تشکیل گشته چه می توان گفت؟ در روزنامه "شرق" به تاریخ ۹۷/۶/۱۴ مطلبی تحت عنوان "هفتخوان تولید در هفت تپه" درج گشته که توجه به آن گویای برخی واقعیت هاست. این مطلب جوابیه کارفرمای هفت تپه به گزارش خبرنگار روزنامه شرق به تاریخ ۱۳۹۷/ ۶/۱۱ می باشد. در آنجا آمده است: "نکته دیگر که خبرنگار محترم "شرق" از آن غفلت کرده (بخوانید تغافل) برگزاری انتخابات مجمع نمایندگان کارگری بود که با مدد کارفرما و بدون دخل و تصرف در فرایند انتخابات انجام شد. این مجمع با پیشنهاد و پیگیری های مکرر کارفرما و ممانعت از هرگونه رد صلاحیت انجام شد تا کارفرما به جای طرف شدن با هزاران کارگر بتواند با نمایندگان واقعی کارگران هم کلام شود". شکی نیست که کارفرمایان در شرایطی به "هم کلام" شدن با نمایندگان واقعی کارگران تن داده اند که مبارزه کارگران و دیگر توده های تحت ستم ایران که تبلورش در دیماه [جدی] ۱۳۹۶ دیده شد، دستگاه ها و نهادهای ارتجاعی آنها را فلج و ناکارآمد نموده است. از آن جمله شوراهای اسلامی که پیش از این به عنوان عامل خفه کردن فریادهای عدالت خواهانه کارگران و ابزار سرکوب کارفرما و دولت علیه کارگران فعالیت می کردند و امروز در شرایط وجود فضای انقلابی در جامعه برو بیای خود را در بسیاری از مراکز تولیدی از دست داده و یا دیگر عملکردی نداشته و عملاً وجود ندارند.

اتفاقاً خود کارفرما ها هم به این امر اعتراف می کنند. مثلاً در همان روزنامه شرق در رابطه با دلیل تن دادن کارفرمای هفت تپه به برگزاری مجمعی از طرف کارگران برای انتخاب نمایندگان کارگری در هفت تپه و تشکیل "شورا" گفته شده است: "دلیل برپائی چنین مجمعی هم غفلت و تأخیر مسئولان شهری برای تسهیل انتخابات شورای اسلامی کار (بخوانید شش ماه) بوده که کارفرما را وادار می کرد تا هر بار به جای صحبت کردن با سه هزار نفر، با یک جمع برآمده از کارگران هم کلام شود". اتفاقاً در سخنان یکی از نمایندگان هفت تپه که در بالا ذکر شد نیز مشاهده می کنیم که مطرح می شود: "اصلاً نیازی به مذاکره تک به تک میان کارگران و کارفرمایان نیست". در ضمن در رابطه با تن دادن کارفرمایان زالو صفت هفت تپه به انتخابات در میان کارگران و برگزیدن نمایندگان کارگری برای مذاکره با آن "آقایان" این واقعیت را هم نباید از یاد برد که ترجیح دادن مذاکره با نمایندگان کارگران به جای "صحبت کردن با سه هزار نفر" خود تجربه سنگ خوردن یکی از مدیران انگل هفت تپه از کارگران خشمگین و کارد به استخوان رسیده را هم در پشت سر خود دارد و آن ها دیدند که وقتی آن مدیر، کارگران را مورد تحقیر و توهین قرار داد کارگران با چه خشمی به سوی او سنگ پرتاب کردند و آن مردک تنها با تلاش های یکی دو تن از نمایندگان کارگران بود که از مهلکه نجات پیدا کرد.

در ادامه مطلب مندرج در روزنامه شرق همچنین گفته می شود: "شواهد امر هم نشان می دهد که چنین حرکتی معقول بوده است. خوانندگان عزیز "شرق" بدانند که این انتخابات با خواسته کارفرما و بر اساس روندهای کاملاً دموکراتیک شکل گرفته و هرچند وجهه قانونی ندارد و مورد تأیید اداره کار نیست، اما به کارفرما برای ایجاد یک فضای گفت و گوئی عاقلانه و به دور از احساسات کمک کرده که البته حاصل آن در جلسه استانداری و توافقات صورت گرفته که در گزارش خبرنگار "شرق" نیز انعکاس یافته است".

این ها واقعیاتی هستند که مدافعان قلبی طبقه کارگر نسبت به آنها بی اعتناء می باشند و تنها به صرف شنیدن نام تشکیل شورا از طرف کارگران برای آن هورا می کشند. اما، آیا کارگران ما و از جمله کارگران مبارز هفت تپه در حال حاضر از چنان قدرتی برخوردارند که بتوانند برآستی بر کار مدیران و کارفرما نظارت اعمال کنند؟ اساساً کارفرمایان که زندگی انگلی شان را مدیون کار و زحمت کارگران هستند و ماهیتاً سودائی جز استثمار هر چه بیشتر کارگران در سر ندارند و به همین منظور سرکوب و فریب کارگران از جمله ترفندهای آنان می باشد، آیا ممکن است به کارگران امکان نظارت بر کار خود را بدهند؟ هر شاگرد مدرسه ای که کمترین شناختی از ماهیت این استثمارگران دارد و به خصوص در زیر سلطه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حامی سرمایه داران زندگی کرده است، با قاطعیت به این سوالات پاسخ منفی خواهد داد. بنابراین کارفرمایان از تشکیل چنین "شورا"ئی در مجتمع هفت تپه ضرری نخواهند دید و خود می دانند که همه ابزارهای کار نظارت را خود به دست دارند و هر زمان هم لازم ببینند، بساط آن "شورا" را برخواهند چید. در حالی که آن ها با توافق به تشکیل شورا در هفت تپه در حال حاضر با ایجاد امید در دل کارگران، موفق به خواباندن اعتصاب در آن مجتمع گشته اند و عملاً جلو تداوم اعتصابات کارگران را گرفته اند.

اما تا جایی که به کارگران هفت تپه و به واقع به همه کارگران ایران مربوط است، واقعیت این است که تعمیق بحران سرمایه داری در سراسر جهان و آثار بس مخرب تر آن در جامعه ما به دلیل سلطه سیستم سرمایه داری وابسته در ایران، زندگی کارگران ما را با شرایط بسیار وخیمی مواجه ساخته است. سرمایه دارانی که در شرایط رونق کار خود با استثمار وحشیانه کارگران، شیره جان آنان را می کشیدند و به ثروت های نجومی دست می یافتند، امروز در شرایط رکود و بحران سیستم گندیده سرمایه داری، کارگران را با نام "تعدیل" از کار بیکار می کنند، حقوق ناچیز آنها را که به هیچ وجه با تورم موجود همخوانی ندارد، با چند ماه تأخیر می پردازند و یا حتی کارخانجات را می بندند و بدون کمترین احساس مسئولیتی، کارگران را از کار بیکار و گویی که با شیء و کالائی سرو کار دارند، آنها را به دور می اندازند و به امان خود رها می کنند تا از گرسنگی و مریضی و بی دوائی بمیرند. امروز کارگران ما در شرایطی قرار دارند که حتی از فرط نداری و فشارها و مصیبت های زندگی دست به خودکشی می زنند. در چنین اوضاعی است که کارگران هفت تپه که از تأمین کمترین معاش خود عاجز مانده اند در پی مذاکرات خود با معاون استانداری و جمعی دیگر از قاتلان کارگران، با توجه به وعده های داده شده به تشکیل شورای مورد بحث پرداختند. چون باور داشتند و اعلام کردند که "با قاطعیت باور داریم که راهی جز این برایمان نمانده است". مسلماً گذشت زمان هر چه شفاف تر نشان خواهد داد که تشکیل چنان شورائی تا چه حد به نفع کارفرمایان و یا کارگران بوده است.

بنابراین در حالی که ایده تشکیل شورا چه در مفهوم واقعی خود (شوراهای مسلح کارگری) و یا حتی همانند تشکلهای صنفی که در سال ۵۷ با نام شورا در کارخانجات و مؤسسات تولیدی شکل گرفتند - تشکلهائی که کاملاً صنفی بودند - ایده درست و حق مسلم کارگران است، و در حالی که باید درود فرستاد به کارگران رزمنده ای که لحظه ای از مبارزه با سرمایه داران و رژیم حامی آنها (جمهوری اسلامی) باز نمی مانند، اما اکیداً لازم است به خاطر سپرده شود که بدون مبارزه جهت سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی، کارگران ما نه تنها موفق به تشکیل شوراهای واقعی خود

نخواهند شد، بلکه شرایط زندگی برای آنها هر روز وخیم تر و مصیبت بارتر خواهد گشت. شرایط انقلابی کنونی بهترین فرصت را به کارگران و روشنفکران آگاه و کمونیست می دهد تا ضمن متشکل کردن خود در گروه های سیاسی - نظامی، آگاهی سوسیالیستی را به میان کارگران برده و به آنها بیاموزند که با صرف مبارزه برای خواستهای صنفی نمی توانند از زیر ستم و استثمار رهایی یابند، بیاموزند که رسالت رهایی همه ستمدیدگان ایران بر دوش طبقه کارگر قرار دارد و آنها نمی توانند از زیر ستم و استثمار رهایی یابند مگر آن که همراه با دیگر ستمدیدگان جامعه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و جهت سرنگونی آن مبارزه بکنند. از این روست که کارگران ما ضمن مبارزه صنفی جهت تأمین معاش خود که امری حیاتی برای زندگی شان می باشد، باید در راه کسب قدرت سیاسی مبارزه کنند و به همین منظور به مبارزه ای همه جانبه با دشمنان طبقه کارگر و دیگر طبقات و اقشار جامعه بپردازند. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اولین قدم برای نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه، تحقق خواستهای اصلی و بحق و عادلانه کارگران و رسیدن به سوسیالیسم می باشد.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۵۶ ، پانزدهم شهریور ماه [سنبله] ۱۳۹۷